

هرسین در آینده‌ی تاریخ باستان

دکتر باقرعلی عادل فر^۱

پوریا اسمعیلی^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۴/۲۴

چکیده

شهرستان هرسین از توابع استان کرمانشاه (باختران سابق) است. بر اساس شواهد و مدارک باستان شناختی، بویژه وجود تپه‌ی گنج دره، می‌توان مدعی شد که این خطه‌ی کهن از نخستین زیستگاه‌های بشر در فلات ایران به شمار می‌رفته و در طی قرون متمادی به خصوص در دوران باستان به علت شرایط خاص اقلیمی و داشتن خاک‌های زراعی مرغوب، آب فراوان و دشت‌های وسیع همواره مورد توجه اقوام گوناگون از جمله قوم لک قرار گرفته است و فرامانروایان سلسله‌های مختلف مانند هخامنشیان و ساسانیان به اهمیت این منطقه آگاه بوده‌اند.

با توجه به میراث گرانبه‌های فرهنگی مادی و معنوی نهفته در خطه‌ی غرب، و به ویژه شهرستان هرسین، که شامل آثار و ابنیه‌ی تاریخی، گور دخمه‌ها و کتیبه‌ها سنگی و باورداشت‌های دینی با رنگ و صبغه‌ی آیین‌های باستانی رایج در ایران است، پژوهش حاضر بر آن است که با استفاده از روش پژوهش تاریخی مبتنی بر توصیف و تحلیل، تاریخ شهرستان هرسین را در عصر باستان مبتنی بر منابع اصلی و شواهد تاریخی بررسی و معرفی نماید. یافته‌های اصلی پژوهش نشان می‌دهد که هرسین جدا از وضعیت اقلیمی مناسب، از نظر مذهبی نیز از مراکز مهم پرستش آئین مهرپرستی در کنار مذهب زرتشت بوده است که اقدام گئومات مغ در بستن معابد پیروان این دین چنین مسئله‌ای را به اثبات می‌رساند. همچنین وجود کتیبه بیستون در حومه این شهر که اقدامات سیاسی داریوش اول را در آغاز سلطنت شرح می‌دهد، اهمیت والای هرسین را نمایان می‌سازد.

کلید واژه‌ها: هرسین، قوم لک، تپه گنج دره، رودخانه گاماسیاب، گور دخمه و کتیبه بیستون.

^۱ استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

^۲ مدرس دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

مقدمه

این نوشتار به بررسی تاریخ شهرستان هرسین در عصر باستان می‌پردازد. علت انتخاب این موضوع چنین است که براساس کاوش‌های باستان‌شناسی هرسین از اولین زیستگاه‌های انسان و از مراکز مهم جمعیتی در زاگرس میانی محسوب می‌شده است. تمامی مراحل و ادوار زندگی بشر از عهد حجر تا دوره‌های تمدنی پیش از تاریخ و سپس تا تشکیل حکومت‌های بزرگ، بخشی از سیر تحول خویش را در نواحی غربی ایران بویژه در کرمانشاهان و شهر باستانی هرسین طی کرده‌اند. غار شکارچیان بیستون در اطراف آن نکات جالبی را درباره‌ی سابقه‌ی حیات بشری در دوران پارینه سنگی روشن می‌سازد. پس از این دوره، در حدود سه هزار سال پیش به علت گرم شدن هوا، انسان غار را ترک کرد و رو به یکجانشینی آورد. این حرکت موجب پیدایش روستا، زراعت و دامپروری شد. همین مسئله باعث شکل‌گیری نخستین روستاها از جمله گنج‌دره گردید. ساکنان گنج‌دره جدا از کشاورزی به فعالیت‌های صنعتی همچون سفالگری و ساختن ابزار فلزی نیز اشتغال داشته‌اند.

اهمیت سیاسی، مذهبی و اقتصادی آن چنان است که حکومت‌های قرون متمادی ایران باستان هرسین را کانون توجه خویش قرار داده بودند. وجود اسناد تاریخی این مسئله را به خوبی نشان می‌دهد. بررسی‌های صورت گرفته گویای این مطلب است که پیرامون این موضوع تاکنون تحقیقی جامع صورت نگرفته است و تنها برخی از پژوهشگران مانند عیسی بهنام مقاله‌ای با عنوان کاوش‌های گنج‌دره در مجله هنر و مردم در سال ۱۳۵۲ در شماره ۱۳۱ و کیومرث رحیمی در کتاب هرسین در گستره‌ی تاریخ در سال ۱۳۷۹ به اختصار بدین موضوع پرداخته‌اند و سایر نویسندگان نیز، به طور پراکنده مطالبی را نقل نموده‌اند. در نتیجه، ضرورت پرداختن به موضوع مورد بحث در این مقاله امری واضح و مبرهن است. بنابراین سؤال اصلی پژوهش آن است که چرا اقوام و حکومت‌های مختلف در عصر باستان توجه خاصی به هرسین داشتند؟

فرضیه حاصله نیز آن است که هرسین به سبب قرارگرفتن بر سرراه‌های تجاری بین‌النهرین - خراسان از یک سو و به علت داشتن آب و هوای مناسب و اراضی حاصلخیز از سوی دیگر، همواره کانون توجه اقوام و طوایف گوناگون و خاندان‌های حکومتگر بوده است. در نهایت تلاش می‌شود تا موارد فوق به دقت و با استفاده از روش تاریخی، توصیف و تحلیل گردد. باشد که از این رهگذر، گوشه‌ای از ناگفته‌های تاریخی این مکان کهن بر پویندگان علم و دانش آشکار گردد.

وجه تسمیه

با بررسی‌های به عمل آمده توسط کارشناسان و باستان شناسان غربی، سابقه تمدنی هرسین به حدود هشت هزار سال می‌رسد. نام این شهرستان در منابع تاریخی کهن به شکل‌های مختلف مطرح شده است؛ برخی پیشینه واژه‌ی هرسین را به اعراب نسبت می‌دهند و چون در مرکز شهرقلعه‌ای مستحکم وجود داشته لذا به آن حصن الحصین گفته‌اند و به ترتیب، در گذر زمان حصن الحصین به هرسین تغییر نام یافته است. که البته بر طبق مستندات تاریخی نیست و فقط به صرف گفتار پیشینیان ماندگار شده است. دلیل دیگری نیز که عنوان شده این است که کلمه «فر» یا «هر» در گویش اوستایی از خورنه اخذ شده است که به معنای خورشید می‌باشد.^۱

دکتر مشکور نیز این کلمه را شکوه و جلال و در اصطلاح اوستایی الهی تعبیر کرده است.^۲ کریستن سن هم ریشه‌ی واژه‌ی «هر» را از اهورا به معنی سرور «خداوند» می‌داند و به پیشینه‌ی زرتشتی بودن ساکنان آن اشاره دارد.^۳

به نظر می‌رسد که این پژوهشگران تنها با مطالعه اوستا این واژه را چنین تعبیر نموده‌اند زیرا در همه قسمت‌های اوستا به وضوح از واژه اهورا نام برده شده است، بویژه در بندهای یسنا که اهورامزدا را آفریدگاری مقتدر معرفی نموده است.^۴

با این وجود، تحقیقات جدید نشان می‌دهد، با اینکه واژه «هر»، طبق گفته محققان از خورنه مشتق شده و به معنای آفتاب است اما پسوند سین در عهد باستان به معنای معبد بوده و از ترکیب این دو، معبد یا مکان آفتاب استنباط می‌شود.

البته باید به این نکته هم اشاره کرد که پسوند سین در نام پادشاهان نی سن سومر نیز وجود دارد. همین موضوع اهمیت و کاربرد گسترده‌ی آن را نمایان می‌سازد.^۵

بنابراین، معنای اخیر با استناد به شواهد موجود در منطقه صحیح‌تر و دقیق‌تر به نظر می‌رسد زیرا معبد آفتاب به آئین مهرپرستی تعلق دارد و پیشینه‌ی آن به قبل از دیانت زرتشت می‌رسد.

وجود کوه و سراب بیستون که نام آن از بغستانه یعنی جایگاه خدایان گرفته شده، حاکی از آن است که بنابر تاریخ اساطیری ایران، ایزد مهر از درون شکاف کوه و درکنار آب متولد شده و این روایت با نام و جغرافیای منطقه بیستون مطابقت دارد؛ پس می‌توان نام هرسین را بدان ارتباط داد و مهرپرستی را آئین مردمان این خطه با توجه به اقدامات گنومات مغ درویران کردن معابد مهرپرستی دانست.^۶

از آن پس، پرستش مهر به انحطاط انجامید و ایزد مهر به عنوان ایزدی در کنار سایر ایزدان زرتشتی قرار گرفت. به خاطر همین است که پژوهشگران فوق، وجه تسمیه هرسین را به طور کلی بدون در نظر گرفتن ریشه مهرپرستی، زرتشتی معرفی می‌نمایند.

جغرافیای طبیعی و تاریخی هرسین

شهرستان هرسین در غرب ایران و در عصر باستان از مناطق مهم ایالت کرمانشاهان بود. منطقه‌ای نیمه کوهستانی با دشت‌های وسیع و رودخانه‌های فراوان، که همین مسئله سبب گردید تا اقوام گوناگون این دیار را به عنوان مسکن خویش انتخاب نمایند و به زراعت و دامپروری بپردازند. پیش از این، براساس شواهد مدنی مکشوف در بخش بیستون و اطراف هرسین، مردمان قبل از یکجانشینی در دوران پارینه سنگی در غارها سکونت داشتند و کوه‌های زاگرس محل امنی برای آنان بود.^۷ غارهای این منطقه عبارتند از:

۱- غار مَرَجِل: این غار در دامنه کوه بیستون واقع شده است. در سال ۱۹۶۵ توسط فیلیپ اسمیت مورد حفاری قرار گرفت. آثار بدست آمده از آن شامل تراشنده‌ها و تیغه‌های ضخیم دوره میانی پارینه جدید (چهل هزار سال پیش)، قلم‌های حکاکی، تراشنده‌ها و تیغه‌های کول‌دار دوره زیرین پارینه سنگی جدید، ریز تیغه مربوط به دوره فراپارینه سنگی. از پنجاه و شش نمونه استخوان حیوان به دست آمده از این غار، دویست و چهل عدد متعلق به بز و گوسفند بود. این امر نشان می‌دهد زاگرس مرکزی یکی از مراکز اولیه اهلی شدن این دو حیوان بوده است.^۸

۲- غار مرتاریک: این غار در دامنه کوه بیستون و در قسمت شمال غربی غار مرخل قرار دارد. وسعت آن در حدود هشتاد متر مربع و به صورت دالان دراز و کم عرضی است. اشیای شناسایی شده غار که بیشتر در قسمت انتهایی بدست آمده، مصنوعات سنگی را در برمی‌گیرد.^۹

۳- غار شکارچیان: این غار در دامنه کوه بیستون و به فاصله کمی از مجسمه‌ی هرکول قرار دارد. در حفاری‌هایی که در سال ۱۹۴۹ صورت گرفت، در حدود بیست و دو هزار یافته شامل سفال، ابزار سنگی و قطعات استخوان حیوانانی چون گوزن، غزال، گاووحشی، پلنگ، شغال، گراز، روباه قرمز و بخشی از استخوان ساعد انسان نئاندرتال به دست آمد. دو قطعه از سفال‌های مکشوفه متعلق به دوره آشوری و بقیه از نوع سفال‌های هخامنشی بودند. همچنین ابزارهای سنگی از نوع تیغه‌های سنگی دوره پارینه سنگی جدید به عبارتی در حدود چهل هزار سال پیش است.^{۱۰}

۴- غار مردودر: این غار نیز در دامنه کوه بیستون و در قسمت شمال شرقی غار شکارچیان واقع شده است و بیست متر عمق، و در حدود یکصدوهفتاد مترمربع وسعت دارد. از این غار، ابزارهای سنگی بسیاری کشف شده و قدمت غار به دوره موستری و زارزی می‌رسد.^{۱۱}

پس از معرفی غارها باید به سراب و رودخانه معروف گاماسیاب هم اشاره شود که نقش بسزایی در یکجانشینی مردمان داشت.

این رود پر از آب که امروزه متأسفانه به علت تغییر شرایط جوی به رودخانه فصلی تبدیل شده، از سراب سنگ سوراخ و چشمه‌سارهای اطراف نپاوند سرچشمه می‌گیرد و پس از اتصال به رودخانه ملایر به گاماسیاب تغییر نام می‌دهد. وجه تسمیه آن گاماسی به معنای گاو ماهی + آب در گویش کردی است، زیرا دیر زمانی به سبب داشتن ماهی‌های بزرگ شهرت داشت. این رود بزرگ پس از عبور از هرسین به کرمانشاه وارد شده و قره‌سو نام می‌گیرد و در عبور از لرستان سیمره و در خوزستان کرخه نامیده می‌شود و عاقبت به سمت خلیج فارس جاری می‌گردد و در مسیر خویش باغ‌ها و روستاهای متعددی را سیراب می‌سازد.^{۱۲}

بنابراین، وجود اراضی پهناور و حاصلخیز باعث شد تا مردمان بتوانند از محصولات درختی و با ذخیره کردن دانه‌ها و میوه‌های خشک به حیات خویش ادامه دهند و با مستقر شدن در این منطقه، غارنشینی را کنار گذاشته، روستاها را تشکیل بدهند و پس از آن زندگی شهری را بنا نمایند.^{۱۳}

شرایط سیاسی و اجتماعی

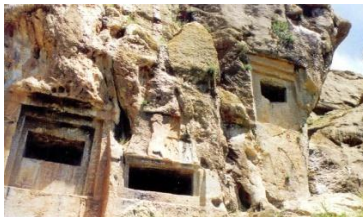
هرسین به سبب داشتن آب و هوایی مناسب و زمین‌های قابل کشت و همچنین به علت واقع شدن بر سر راه تجاری بین النهرین - خراسان از اهمیت بسزایی برخوردار بود. به همین دلیل، سلسله‌های مختلف در ایران به این خطه توجه ویژه‌ای داشتند. در دوران تمدن، قوم کاسی که حدود ۵۷۶ سال بر بابل حکمرانی کردند، دامنه‌ی حکومت خویش را تا نواحی غربی ایران گسترش دادند. درتپه گنج‌دره هرسین آثاری از کاسی‌ها بر جای مانده که بی‌نظیر است.^{۱۴}

در دوره‌ی ماد نیز با توجه به آثاری که از گوردخمه‌ها باقی مانده، نشانگر این است که مادها هم به اهمیت منطقه واقف بودند. در این قسمت به معرفی این گور دخمه‌ها می‌پردازیم:

۱- گور دخمه‌های اسحاق‌وند: در بیست و پنج کیلومتری جنوب هرسین و در شمال شرقی روستای "ده نو" گوردخمه‌هایی قرار دارند که اسحاق‌وند نامیده شده‌اند و این نام از روستایی در همان حدود گرفته شده است و شامل سه گور دخمه می‌باشد. گوردخمه سمت راست بالاتر از دو گوردخمه دیگر

است. گوردخمه سمت چپ به شکل طاقچه‌ای به عمق ۸۵ سانتی‌متر و عرض ۲/۱۰ متر است. گوردخمه میانی به عمق ۱/۷۵ و عرض ۱/۶۳ متر و گوردخمه سمت راست به عرض ۲/۱۰ متر است. اطراف هر یک از آنها قالب‌بندی شده است.

در قسمت بالای گوردخمه میانی تصویر مردی به حالت تمام قد به ارتفاع ۱/۸۷ متر و با چهره‌ای نیم رخ حجاری شده است. این شخصیت، لباس چین‌دار بلندی به تن دارد و دست‌های خود را به حالت نیایش در جلوی صورت خود قرار داده است. در مقابل او مشعلی به ارتفاع هشتاد و سه سانتی‌متر و سپس آتش دانی به ارتفاع نود و چهار سانتی‌متر دیده می‌شود. در پشت این آتش‌دان، فردی به ارتفاع هشتاد سانتی‌متر حجاری شده که دست‌هایش را بلند کرده از پشت شیء را گرفته است. بخش اخیر به دوران اشکانی تعلق دارد. با این وجود، برخی از باستان‌شناسان نظیر هرتسفلد، گوردخمه‌ها را به دوران هخامنشی نسبت می‌دهد و معتقد است که گوردخمه میانی قبر گئومات مغ می‌باشد.



شکل ۱ - گوردخمه‌های اسحاق وند

در پژوهش‌های اخیر نیز این گوردخمه‌ها را به دوره سلوکی نسبت داده‌اند.^{۱۵}
 ۲- گوردخمه شمس‌آباد: این گور به عرض دو و عمق ۱/۷۵ متر در نوزده کیلومتری گوردخمه‌های اسحاق‌وند، بین روستای شمس‌آباد و سرخه ده در کنار رودخانه گاماسیاب قرار دارد، و همانند گوردخمه‌های اسحاق‌وند به صورت طاقچه است و در اطراف آن قاب‌های تراشیده شده‌ای به چشم می‌خورد. ورودی آن به عرض ۱/۱۰ متر و ارتفاع دهانه‌ی آن هشتاد و پنج سانتی‌متر است. ارتفاع کف گوردخمه تا بلندترین نقطه‌ی سقف آن ۱/۲۰ متر می‌باشد.^{۱۶}

در روزگار هخامنشیان، پادشاهان این سلسله اهمیت سوق‌الجیشی هرسین را درک کرده بودند و با توجه به سنگ‌نشته‌ی بیستون که داریوش اول در آن اقدامات خویش را در سال‌های نخستین سلطنت شرح می‌دهد و آن را در سینه کوه کنده کاری نموده می‌توان به موقعیت سیاسی هرسین به درستی پی برد به خصوص سرکوب قیام گئومات مغ که از جایگاه ویژه‌ای در تاریخ هخامنشان برخوردار است.

گئومات مغ زمانی که کمبودجیه پسر کوروش کبیر به مصر لشکرکشی کرد خود را بردیا برادر مقتول وی نزد همگان معرفی نمود چون مردم از قتل بردیا به دستور کمبودجیه بی‌خبر بودند او را بردیا دانستند. در سال ۵۲۱ ق.م کمبودجیه در راه بازگشت از مصر می‌میرد و گئومات با فریب‌کاری به اقدامات بسیاری در راستای تحکیم سلطنت خویش دست زد.^{۱۷}

شروع کار وی در حوالی هرسین بود و با توجه به اینکه در دین زرتشت بسیار تعصب داشت در همان ابتدا اصلاحاتی را انجام داد که عبارت بودند از:

۱- بخشودگی سه سال مالیات مردم و لغو خدمت نظامی عمومی؛

۲- ویران کردن معابد از جمله پرستشگاه‌های مهرپرستی که در هرسین واقع شده بود. (همانطور که شرح داده شد)، مخالفت گئومات را با آئین مهرپرستی نشان می‌دهد. ایزد مهر که خدای عهد و پیمان است و نظم و راستی را نگاهبانی می‌کند و با پیمان‌شکنی مبارزه نموده و از دروغ بیزار است و نماد عدالت و مظهر خورشید می‌باشد.^{۱۸}

بدین صورت، با اینکه بعدها به عنوان ایزدی در میان ایزدان زرتشتی قرار می‌گیرد اما وجود مستقل آن برای گئومات مغ پذیرفتنی نبود و برای اینکه سلطه‌ی دینی خویش را بر مردم تحمیل نماید، پیروان این دین را به شدت مجازات کرد و ظاهراً پس از سرکوب مهرپرستان، عده‌ای دیار خویش را ترک گفتند و به آسیای صغیر رفتند و بعدها موجب ترویج مهرپرستی در آنجا شدند و بدین ترتیب این مسئله، یکی از راه‌های ورود آئین مهرپرستی به اروپا شد به طوری که سربازان و پیشه‌وران نقش عمده‌ای را در این راستا ایفا نمودند.^{۱۹}

یکی از شواهد متقنی که به مهرپرستی اکثر ساکنان هرسین اشاره دارد این است که در منابع تاریخی به ویرانی معابد منطقه تحت سلطه گئومات پرداخته شده و نه ویرانی عبادتگاه‌های همه نقاط ایران که نشان دهنده محدود بودن دامنه‌ی قیام در نواحی غربی کشور است. داریوش با توجه به سیاست تساهل مذهبی هخامنشیان و احترام گذاشتن به پیروان ادیان مختلف، معابد ویران شده را پس از سرنگونی گئومات مغ دوباره آباد کرد.^{۲۰}

۳- گئومات بسیاری از اموال و مراتع اشراف مناطق غربی به ویژه هرسین را مصادره نمود که این اقدام نارضایتی‌های فراوانی به دنبال داشت و باعث شد مردم از داریوش اول حمایت نمایند.

بنا به روایت هرودت، داریوش اول با کمک هفت تن از سران طوایف پارس و با استفاده از نارضایتی مردم، گئومات را که در آن زمان پس از گسترش قلمرو خویش از هرسین به شوش رفته بود،

مغلوب کرد و به قتل رساند و شرح این واقعه را به تفصیل در کتیبه بیستون ذکر نمود تا آیندگان از سرنوشت وی عبرت بگیرند. هروقت این روز را ماگوفونی یعنی مغ‌کشی نامید و می‌گوید که مغ‌ها در این روز از منازل خودشان بیرون نمی‌آمدند.^{۲۱} هاید ماری کُخ نیز با ذکر این قیام تاریخ قتل گئومات را سال ۵۲۲ق.م می‌داند.^{۲۲}

در زمان سلوکیان - که پس از تهاجم اسکندر مقدونی و مرگ وی، به‌عنوان جانشینان او تشکیل سلسله دادند - غرب ایران جایگاه خویش را از نظر سیاسی حفظ کرد و پادشاهان سلوکی بسان سایر مناطق، فرهنگ یونانی را نیز در آنجا به ساکنان تحمیل نمودند. مجسمه‌ی هرکول واقع در مجموعه بیستون و حتی معماری معبد آناهیتا در کنگاور مؤید این ادعاست.

در دوران اشکانیان که جانشین سلوکیان بودند و به مدت پانصد سال سلطنت کردند ضمن از هم پاشیدن و تضعیف سیطره یونانیان به تدریج از سلطه فرهنگی یونان خارج شدند و جدا از نبردهای عظیمی که با رومیان داشتند، در نقاط غربی نیز سلاطین اشکانی با شاهزادگان مدعی تاج و تخت درگیر بودند. در زمان گودرز دوم، مهرداد یکی از شاهزادگان پارتی که در دربار کلودیوس امپراتور روم پرورش یافته بود، به تشویق وی برای تصاحب تاج و تخت به ایران لشکر کشید ولی مغلوب گودرز دوم شده و به همین علت کتیبه‌ای به نشانه‌ی یادبود این نبرد در محوطه‌ی تاریخی بیستون نگاشته شد که تا به امروز هم پابرجاست.

هرسین در دوره‌ی ساسانی به ویژه در دوران حکومت بهرام چهارم (۳۸۸-۳۹۹م) ملقب به کرمانشاه یا حاکم ایالت کرمانشاهان و دوره‌ی خسرو پرویز (۵۹۰-۶۲۷م) علاوه بر اینکه شاهد تاخت و تازهای رومیان بود و از نقاط مرزی حساس به شمار می‌آمد و در هنگام جنگ خسارات بسیاری را متحمل می‌شد اما همچنان کانون توجه حکومت بود. خسرو پرویز به بناهای سلطنتی و کوشک‌ها علاقه داشت و در اکثر مناطق ایران کاخ‌های زیبایی ساخت. در بیستون بنای کاخ نیمه تمام ساسانی را به زمان او نسبت می‌دهند که بقایای آن هنوز هم دیده می‌شود.^{۲۳}

قلعه تاریخی داخل شهر هرسین هم که از ابنیه‌ی دوران ساسانی است و در مرکز شهر قرار دارد. امروزه متأسفانه به مرور زمان در زیر پارکی مدفون گردیده است. این قلعه تا سال‌ها پس از انقراض ساسانیان پابرجا بود بطوری‌که اکثر جغرافی‌نویسان اسلامی در آثار خویش آن را وصف نمودند.^{۲۴}

ساکنان هرسین و اوضاع اجتماعی

در این قسمت وضعیت اجتماعی و اقوام ساکن در آن دیار بررسی می‌شود. طوایف لک از دیرباز در کنار سایر اقوام در غرب ایران به خصوص در هرسین و لرستان سکونت داشتند. کلمه لک از نظر لغوی به معنی صد هزار است، شاید در اعصار قدیم این قوم صد هزار سرباز داشته، یا جمعیت صد هزار نفری داشتند و به همین دلیل به این نام مشهور شده‌اند. اما امروزه برخی از لک‌های لکستان می‌گویند ما هم به قوم لروهم به قوم کُرد منتسب هستیم. یعنی حرف (ل) را برگرفته از لر و حرف (ک) را نیز برگرفته از کرد می‌دانند، اما منظور آنها از کرد " کلهر وجاف " است که نزدیکی بیشتری با آنها دارند. البته منظور آنان جداکردن « لر » از « کرد » نیست. دلیل دیگر نیز بیشتر به زیستگاهشان بر می‌گردد که بین کرمانشاهان و لرستان و همدان قرار گرفته‌اند. برخی از پژوهشگران لک‌ها را یک شاخه مستقل از اقوام ایرانی قلمداد می‌کنند.^{۲۵}

برخی دیگر نیز مانند حمید ایزدپناه، کُرد پنداشتن لک را یک سوء تفاهم و ناشی از استفاده‌ی واژه-ی کرد از قدیم در معنی مردمان کوچ‌نشین ایرانی‌تبار در سراسر منطقه می‌داند و به لر بودن لک‌ها معتقد است.^{۲۶}

معین الدین نطنزی مورخ قرن نهم هجری قمری لک‌ها را یکی از طوایف اصلی قوم لر می‌داند و می‌نویسد: «چون قوم لر در آن موضع (مانرود) بسیار شدند و بعد از آن هر قبیله به جهت علفخواری (چرای احشام) رو به موضعی نهادند، بعضی به لقب و بعضی به اسم موضعی که قرار گرفته نام قبیله بدان مشهورند. مثل: روزبهانی، فضلی، ایازکی و ... به نام پدر موسوم‌اند و لک و کوشکی و رازی و ... که به اسم مواضع خود مشهورند.»^{۲۷}

اقوام لک به کشاورزی و دامپروری می‌پرداختند و از این طریق امرار معاش می‌کردند و به طوایف مختلفی تقسیم می‌شوند. با این وجود، خاستگاه و اعتقادات مشترکی داشتند. علیرغم اختلافات درونی در مواقع هجوم دشمنان خارجی با هم متحد می‌شدند و از منطقه خویش دفاع می‌کردند و تابع حکومت مرکزی نیز بودند و همانطور که گفته شد، پیش از ظهور اسلام پیرو آئین مهرپرستی بودند و سپس، به آیین زرتشتی گرویدند که وجود دخمه‌های برجای مانده این امر را به اثبات می‌رساند. منابع، پیرامون آداب و رسوم محلی هرسین در عصر باستان اطلاعات جامعی را ارائه نمی‌دهند اما می‌توان مدعی شد که متناسب با آداب مذهبی، رسوم و مناسبات اجتماعی خویش را شکل بخشیده و به حیات اجتماعی خود رنگی خاص داده بودند.

ساکنان شهر و روستا و به طور کلی یکجانشینان با توجه به کاوش‌های باستان‌شناسی در کنار زراعت به صنایع دستی هم اشتغال داشتند. وجود ظروف سفالی و اشیاء برنزی و آهنی که از درون قبور باستانی کشف شده به تمدن والای این خطه اشاره می‌کند. قبوری به شکل حفره‌هایی گاه سنگفرش و همیشه مسدود با تلی از سنگ‌های انباشته روی هم که غالباً سطح رویی، با دایره‌ای از سنگریزه علامت‌گذاری شده است.^{۲۸}

اشیاء مربوط به لوازم آرایش فراوان نیز به چشم می‌خورد. سنجاق‌های سر زنانه تنوع زیادی دارند. انتهای آنها به اشکالی از سر حیوانات و پرندگان یا یک حیوان کامل ختم می‌شود. شمشیرهای کوتاه برنزی با دسته‌های ساده، خنجرهای برنزی یا آهنی که قبضه‌ی آنها گاه به شکل یک شخصیت واقعی یا شکل نمادین یک حیوان است، انبوهی از تبرها و کلنگ‌های برنزی و آهنی، غالباً تزئین یافته با نقش حیوانات یا قسمتی از بدن حیوانات که جالب‌ترین آنها تبرهایی است که تیغه یا قبضه آن از پوزه باز حیوانی وحشی بیرون آمده است... همه اینها مدنیت هرسین را نمایان می‌سازد.^{۲۹} بنابراین، هرسین در غرب ایران از مراکز مهم تمدنی به شمار می‌رفت.

آثار تاریخی

۱- تپه‌ی گنج‌دره: قدمت این تپه به دوره‌ی نوسنگی می‌رسد و در شهرستان هرسین، روستای قیسوند واقع شده و در تاریخ ۵ آذر ۱۳۸۰ با شماره ثبت ۴۳۹۴ به عنوان یکی از آثار ملی به ثبت رسیده است. ارتفاع گنج‌دره نسبت به سطح دریا بین ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ متر است. ارتفاع تپه ۵ متر و قطر آن ۴۰ متر است و یک محدوده ۱۳۰۰ متر مربعی را شامل می‌شود.

کاوش‌های گنج‌دره در سال ۱۹۴۵ م. آغاز شد و تا سال ۱۹۶۹ م. ادامه داشت. این کار تحت نظارت پروفیسور اسمیت باستان‌شناس کانادایی صورت گرفت. در گنج‌دره مردمانی زندگی می‌کردند که یکجانشین بوده‌اند و با اهلی کردن حیوانات، کاشتن غلات و جمع‌آوری آن، امرار معاش می‌نمودند. در ضمن، انجام کاوش‌ها و حفاری‌ها در بعضی از لایه‌ها، آثار ساختمانی و معماری تقریباً سالم کشف شد که امتیاز گنج‌دره را نسبت به مکان‌های تاریخی دیگر که متعلق به مرحله پارینه سنگی بوده‌اند، مشخص می‌کند.

آزمایش‌های صورت گرفته روی ذغال سنگ به دست آمدن از این محل نشان می‌دهد نخستین انسان‌ها در ۸۵۰۰ ق.م در این محل استقرار یافته‌اند. ظروف سفالین درشت با جداره‌ی ضخیم که با آتش به صورت نامنظم پخته شده‌اند، پیدایش خشت‌هایی با فرو رفتگی درقسمت میانی آن که در

دیگر نقاط نمونه آن دیده نشده است، پیکان‌های سنگی، اشیای استخوانی، کوزه‌ها، کاسه‌ها، مهرها و زینت‌آلات از جمله آثار و اشیاء کشف شده در تپه گنج‌دره است.^{۳۰}

از طرفی در طبقات زیرین گنج‌دره آثار انسان‌هایی دیده می‌شود که از آن‌ها ابزارسنگی مانند تبرسنگی که بدون دسته بوده و در دست برای دفاع یا حمله جای می‌گرفته و تبرهای سنگی که دسته چوبی داشته‌اند. و با الیاف طبیعی آن را به دست‌اش می‌پیچیده‌اند و پیداشده که در نوع خود بی‌نظیر می‌باشند. وجود پیکان‌های سنگی که بدان اشاره شد خود نشانه‌ای از این بوده است که با تیروکمان آشنایی داشته‌اند و بسیاری دیگر از ابزارهای سنگی که جای چاقو یا تیغ یا وسایل کوبیدن و خرد کردن غلات یا چیزهایی دیگر پیدا شده، ولی آثار ساختمانی در این طبقه از تپه که مستقیماً با خاک بکر مجاور است به دست نیامده است. شاید این انسان‌ها در آن زمان زیر بوته‌هایی از شاخه‌های درخت که ممکن است روی آن را با گل می‌پوشانده‌اند زندگی می‌کرده‌اند و این آثار در نتیجه‌ی ساختمان‌هایی که نسل‌های بعد از آن‌ها در آن مکان به وجود آورده‌اند از بین رفته است. باستان‌شناسان بلافاصله پس از این لایه یعنی در روی آن به طبقه‌ای برخوردند که آثار ساختمانی یعنی قسمت پائین اتاق‌هایی پدیدار گشته است. دیوار این اتاقها با چیزی که نمی‌توان روی آن نام خشت نهاد ولی به هر حال مرکب از قطعات نامنظمی از گل بوده است که مالش یافته و روی آفتاب خشک شده، ترکیب یافته است. از روی این آثار به خوبی می‌توان دریافت که اتاق‌های کوچکی به صورت مربع نامنظم یا مستطیل ساخته بوده‌اند و در داخل آن اجاق‌ها و کندوهای متعدد وجود داشته و ظروف سفالین در میان تمام این آثار پخش است. در این دوران که باید آن را در حدود اوایل هزاره نهم پیش از میلاد قرار داد، کاملاً پیداست که انسان‌هایی که در حدود دو سده پیش در این مکان مستقر شده بودند تدریجاً به فن خانه‌سازی و سفالگری آشنایی پیدا کرده و از آتش استفاده زیادی کرده‌اند چون تعداد کوره‌های یافت شده بسیار زیاد است.

زندگی در تپه گنج‌دره تدریجاً پیشرفت نموده و در پایان هزاره‌ی نهم پیش از میلاد ظروف سفالین را به کوره می‌بردند و حتی روی آن نقوش را به وجود آورده‌اند. شاید به‌طور اتفاقی فهمیده بودند که گل وقتی در مجاورت آتش قرار می‌گرفته سخت می‌شده و بدین طریق، توانسته‌اند از این کشف برای ساختن ظروف گلین استفاده نمایند.^{۳۱}

در واپسین دهه‌های سده‌ی اخیر، شماری تندیس‌های کوچک الهه مادر که فاقد سر می‌باشند در طبقات بالای تپه گنج‌دره به دست آمده که نشان دهنده این مطلب است که در آن دوره، باور

داشتهای دینی و اعتقادی نیز رواج داشته است. این امری بسیار طبیعی است که در تمام نقاطی که در روزگاران کهن انسانها نشیمن گزیده‌اند، آفریننده‌ی خود را به صورتی مجسم نموده‌اند و معمولاً ایزد مادر که به وجود آورنده‌ی تمام نیازهای بشر بوده، بیش از دیگر خدایان مورد توجه آنها قرار گرفته است. در این دوره از تاریخ انسانها، در تپه گنج‌دره اهلی کردن حیوانات آغاز شده است. اگرچه مدارک زیاد در این مورد در دست نیست ولی پروفیسور اسمیت روی خشت‌های نامنظمی که در ساختمان دیوارها به کار رفته جای پای متعدد از بُز را مشاهده نموده و چنین نتیجه گرفته است که بدون شک وقتی این خشت‌ها را برای خشک شدن زیر آفتاب قرار داده بودند بزهای اهلی از روی آن رد شده‌اند و همین اثر نشانه این است که در آن زمان انسان‌های گنج‌دره بُز را اهلی کرده بودند. بنابر کاوش‌های انجام شده و یافته‌های گنج‌دره احتمالاً هنوز گوسفند اهلی نشده بوده ولی آن را شکار می‌کرده‌اند.



شکل ۲- تپه گنج‌دره

خلاصه کلام اینکه تمدن گنج‌دره اهمیت هرسین را در طول تاریخ آشکار می‌سازد.

۲- صفحه تراشیده و حوض سنگی پارک شهر هرسین:

در داخل پارک شهر هرسین بقایایی از آثار دوره ساسانی وجود دارد که از جمله آن صفحه تراشیده‌ای است که در دامنه کوه ایجاد شده است. این صفحه به طول ۴۶/۵۲ متر و ارتفاع ۱۲/۲۵ متر است و به سه بخش تقسیم شده است؛ بخش اول آن به طول ۳۱/۲۲ متر می‌باشد و صفحه‌ای در جلوی آن تراشیده شده است. این صفحه به نهر آبی مشرف است. قسمت دوم به طول ۱۰/۰۵ متر و قسمت سوم به طول ۵/۲۵ متر است. در جلوی قسمت دوم و سوم نیز صفحه‌ای به عرض ۸/۱۵ متر دیده می‌شود. در قسمت جنوب شرقی این صفحه تراشیده، حوض دایره‌ای شکلی از سنگ ایجاد شده است. قطر دهانه این حوض ۳/۸۶ متر و عمق آن ۶۶ سانتی‌متر است. در وسط حوض، مخروط ناقص فواره مانندی به ارتفاع ۶۶ سانتی‌متر وجود دارد که محیط تحتانی آن ۲/۲۴ متر است. قسمت تحتانی این مخروط ناقص، به شکل دوازده ضلعی نامنظم است. سطح فوقانی فواره، به صورت دایره‌ای است که در وسط یک صفحه دوازده ضلعی قرار دارد. در قسمت شمالی حوض، پیش رفتگی مستطیلی شکلی به ابعاد ۲۰×۴۰ سانتی‌متر وجود دارد. همچنین، در نزدیکی این حوض سنگی، طاقی از تخته

سنگی یک پارچه دیده می شود که داری قوس گهواره ای است. در قسمت تحتانی طاق، تخته سنگی به شکل مکعب مستطیل وجود دارد. احتمالاً طاق برروی این تخته سنگ قرار گرفته است. در کنار این طاق نیز بخشی از یک پلکان سنگی سه پله ای دیده می شود. در جنوب این مجموعه و در اطراف میدان شهر، بقایای یک مینای سنگی از دوره ساسانی به چشم می خورد. این مکان امروزه تبدیل به پارک شده و بخش زیادی از آن به دلیل ساخت و سازهای جدید از بین رفته است. مصالح به کاررفته در این بنا شامل لاشه سنگ و ملاط گچ است و در بعضی از قسمت ها، رو کار دیوار با بلوک های سنگی مکعب مستطیل چیده شده است.^{۳۲}



شکل ۳- حوض سنگی پارک شهر هرسین

۳- مجموعه ی بیستون:

الف: کتیبه ی داریوش اول

این نقش برجسته دوره ی هخامنشی یکی از با ارزش ترین یادگارهای ادبی و تاریخی ایران و بزرگترین سنگ نبشته جهان بوده که درسی کیلومتری شمال شرقی شهر کرمانشاه واقع شده و از توابع شهرستان هرسین به شمار می رود و بر روی صخره معروف به بیستون حجاری شده است. از این کوه در روزگار هخامنشیان بغستانه به معنی جایگاه خدایان یاد شده و در دوران اسلامی ابن حوقل جغرافی نویسنده قرن چهارم هجری از آن با عنوان بیستون^{۳۳} و استخری بهیستون یاد کرده اند.^{۳۴} که در اصل تلفظ پهلوی این کوه را ذکر نموده اند. در این متن، داریوش در آغاز به معرفی خود و نیاکانش می پردازد. (این تبارنامه تفاوت های متعددی با تبارنامه گزارش شده در تاریخ هروودت دارد) پس از آن، با احترام از اهورامزدا و بخشش او سخن می راند که تا پایان کتیبه بارها تکرار می شود. البته پرستش اهورامزدا توسط داریوش و دیگر ایرانیان به هیچ روی دلیلی بر زرتشتی بودن آنان نیست. چرا که پرستش اهورامزدا متعلق به بسیاری از ادیان ایرانی بوده و از روزگاران کهن تر به خصوص از زمان کاسیان در ایران شناخته شده است. سپس، داریوش به معرفی قلمرو و سرزمین های تابعه خویش می پردازد که ضمن آن از ۲۳ کشور نام می برد که البته تا پایان پادشاهی اش تعداد آن ها به ۳۰ کشور

می‌رسد. در ادامه کتیبه طولانی و مفصل خود و با ثبت دقیق زمان و تقویم، شرح نبرد با کسانی را که در نخستین سال پادشاهی خود(به گفته خودش به دروغ ادعای شاهی کرده و کشور را به آشوب کشاندند) با آنان جنگیده، ارائه می‌دهد و سپس به جریان سرکوب گئومات مغ اشاره می‌کند و در نهایت جانشینان خود را به نیکوکاری و پرهیز از دروغ و حق‌شناسی و راست‌گویی پند می‌دهد.^{۳۵}

سنگ‌نگاره‌ی داریوش اول شش متر طول و ۳/۲۰ متر عرض دارد. در سمت چپ این سنگ نگاره، تصویر داریوش به ارتفاع ۱/۷۸ متر حجاری شده است. وی تاج کنگره‌داری بر سر و پیراهن بلندی بر تن دارد. در زیرپای چپ وی گئومات مغ به پشت خوابیده و به علامت تسلیم دست‌هایش را بالا برده است. در پشت سرداریوش "وینده فره نه" کماندار و "گئوبروه" نیزه‌دار و روبروی او نه تن شورشی ایستاده‌اند. در بالای سر اسیران، تصویر نمادینی از اهورامزدا قرار دارد.^{۳۶}

این سنگ‌نگاره در طول زمان تکمیل شده است. و به سه زبان ایلامی، بابلی و پارسی باستان نگاشته شده که سرهنری راوینسون مستشار معروف انگلیسی بین سال‌های ۱۸۴۴ و ۱۸۴۷ میلادی خطوط را یادداشت نمود و سرانجام به ترجمه این اثر ارزشمند توفیق یافت و متن آن را انتشار داد.^{۳۷}



شکل ۴ - کتیبه داریوش اول

ب : مجسمه هرکول

این اثر، نمادی از الهه‌ی قدرت در یونان باستان است و به دوران سلوکیان تعلق دارد. در سال ۱۳۳۷.ش به هنگام احداث جاده همدان- کرمانشاه شناسایی شد و مرد نیرومند کاملاً عریانی را نشان می‌دهد که در زیر سایه‌ی درختی بر روی نقش شیری تکیه داده است و پپاله‌ای در دست دارد. در پشت سر این شخصیت، کتیبه و نقش‌هایی حجاری شده است. این تصاویر شامل درختی است که بر شاخه آن کمان‌دان و تیردانی آویزان است و در کناردرخت گرز مخروطی شکل گره‌داری نقش شده است. کتیبه به خط یونانی در هفت سطر لوحی - شبیه به شکل معابد یونانی(ستتوری شکل) - نوشته شده است. مضمون این کتیبه چنین است: «به سال ۱۶۴ ماه پانه موی هرکول فاتح درخشان به وسیله هیاکنیتوس پسر پانتیاخوس به سبب نجات کل آمن فرمانده کل این مراسم برپا شد».^{۳۸}



شکل ۵ - مجسمه هرکول

ج: نقش برجسته مهرداد دوم

این نقش برجسته ی دوره ی اشکانی که در پایین کتیبه داریوش اول در کوه بیستون دیده می شود، از دوران مهرداد دوم به یادگار مانده است و به سال های ۱۲۳ تا ۱۱۰ ق.م تعلق دارد. در این صحنه، در برابر مهرداد دوم چهار نفر از ساتراپ های محلی به ترتیب اهمیت و جایگاه در پشت سر هم قرار دارند. نیم رخ آن ها به سوی مهرداد و نیمی از صورت مهرداد نیز به طرف آن هاست. مهرداد دست راست خود را به حالت احترام بالا برده است. نفر اول، گودرز اول ساتراپ ساتراپ ها است. طبق اسناد بابلی، این شخص در اواخر حکومت مهرداد دوم، شریک سلطنت او بود و پس از وی به پادشاهی رسید.^{۳۹} نام نفر دوم کاملاً محو شده و چون لقبی برای او ذکر نشده احتمال می رود یکی از شاهزادگان موروثی باشد که بدون ذکر لقب نام برده می شوند. در سمت راست این شخص شیء شبیه به جام دیده می شود. نفر سوم "میترادات" است. لقب او در این کتیبه "پییس تومینوس" به معنی مورد اعتماد شاه آمده است. در دست وی تصویر "نیکه" (الهه پیروزی) دیده می شود که حلقه روبان داری در دست دارد. نفر چهارم "کوفاساستس" نام دارد و لقب ندارد. این نقش برجسته ها در حقیقت واگذاری قدرت از طرف مهرداد به هریک از این بزرگان را نشان می دهد.



شکل ۶ - نقش برجسته مهرداد دوم سمت چپ

متأسفانه قسمت مهم این اثر در زمان صفویه جهت نوشتن وقف نامه شیخ علی خان زنگنه صدر اعظم شاه سلیمان تخریب شد. این متن حاکی از وقف عایدات دو دهکده برای مخارج نگاهداری کاروانسرای بیستون است.

د: نقش برجسته گودرز دوم

راجع به این کتیبه درصفحات پیشین پژوهش توضیحاتی ارائه شد (در قسمت شرایط سیاسی و اجتماعی) که به سرکوب مهرداد شاهزاده دست نشانده رومی اشاره دارد که توسط گودرز دوم مغلوب گردید. این نقش برجسته دارای کتیبه‌ای به خط یونانی است. مضمون آن چنین است: «مهرداد پارسی گودرز شاه شاهان، پسر گیو».^{۴۰}



شکل ۷- نقش برجسته گودرز دوم سمت راست

ه: نقش برجسته بلاش

در دامنه‌ی کوه بیستون و در قسمت شمال شرقی نقش برجسته‌ی گودرز، تخته سنگی به شکل چهارضلعی نامنظمی دیده می‌شود و در سه طرف آن نقوش حجاری شده قرار دارد. نقش میانی، بلاش شاه اشکانی را به حالت تمام رخ با گردن‌بندی برگردن و کمربندی به کمر نشان می‌دهد. لباس او از پایین به بالا تنگ و چسبان است و شلوارگشادی که در قسمت مچ پا بسته شده، به تن دارد. این شخص پیاله‌ای در دست چپ گرفته و دست راست را به طرف آتش‌دان دراز کرده است. بر روی این آتش‌دان، کتیبه‌ای به خط پهلوی اشکانی به این مضمون نقل شده است: "این پیکره یولخش شاهنشاه پسر ولخش شاهنشاه نوه".

به علت محو بودن آخر کتیبه مشخص نیست که این تصویر متعلق به کدام بلاش است. در سمت چپ نقش بلاش، برضلع دیگر تخته سنگ، نقش دیگری دیده می‌شود. بیننده تصور می‌کند این شخص در حال گام برداشتن به طرف شخص میانی است. این شخص لباسی شبیه شاه اشکانی به تن دارد. وی دست راست را به طرف بالا گرفته و یک شیء در دست دارد. در سمت راست نقش میانی، سومین نقش حجاری شده است. این شخص نیز در حال حرکت به سوی شخصیت میانی است. او نیم تنه‌ای تاروی زانو بر تن و کمربندی به کمر دارد دست چپ او دیده نمی‌شود و شیء در دست راست دارد.^{۴۱}



شکل ۸ _ نقش برجسته بلاش

ن: فرهاد تراش

این صفحه به طول دویست و عرض سی متر در دامنه کوه بیستون، در فاصله سیصد متری جنوب نقش برجسته ی داریوش اول تراشیده شده است. در دامنه این صفحه، سکویی قرار دارد. در جلوی این سکوی خاکی دیواری به طول یک صد و پنجاه متر ایجاد گردیده است. این دیوار با استفاده از بلوک های سنگی تراشیده و لاشه سنگ به همراه ملاط گچ ساخته شده است. بر روی برخی از این بلوک ها و سنگ های پراکنده اطراف آن، علایم سنگ تراشان ساسانی به اشکال مختلف نقش شده است. در دوطرف این صفحه تراشیده، چند سکوی پله دارخشن دیده می شود که برای نشستن به هنگام تراشیدن دیوار استفاده می شده است. بر روی این صفحه، اثر قلم های سنگ تراشان و همچنین گودی های مخصوص قراردادن گوه های چوبی جهت برش سنگ ها به وضوح مشاهده می شود. وجود سطوح ناصاف و سکوهای روی صفحه نشان می دهد که سنگ تراشان صفحه را ناتمام رها نموده اند ولی بخش های فوقانی آن تقریباً رو به اتمام بوده است. در دامنه این صفحه خاکی حجم زیادی از بلوک های سنگی، سنگ های کنده شده از کوه، ساقه ستون و پایه ستون های نیمه کاره به چشم می خورد.^{۴۲}

اگرچه اهالی محل معتقدند این صفحه تراشیده اثر فرهاد سنگ تراش است که از عشق شیرین ملکه خسرو پرویز کوه را به همان گونه که نظامی گنجه ای گفته است تراشیده، بطوریکه جکسن نیز در سفرنامه خویش تحت تأثیر از این جریان فرهاد تراش را با جنبه شاعرانه بررسی می کند.^{۴۳}

اما با توجه به شواهد باستان شناسی می توان نتیجه گرفت که قالب حجاری شده ناتمام برسینه کوه بیستون در ارتباط با بنای موسوم به بنای ساسانی دهکده بیستون است و قدمت هر دو اثر به عهد ساسانی و به احتمال قوی به سلطنت خسرو دوم برسد. بنابراین، منظور از پرداختن این صفحه، نوشتن و نمایاندن یک واقعه تاریخی مهم بوده که بنا به دلایلی نامعلوم، فرهاد تراش هم مانند بناهایی چون پل خسرو و کاخ خسرو هرگز تکمیل نشده است.



شکل ۹_ فرهاد تراش

بنای مستطیلی شکل بیستون نیز در جهت شرقی- غربی در شمال کاروانسرای صفوی و روبه‌روی فرهادتراش در زیر جاده قدیمی همدان - کرمانشاه قرار دارد. این اثر که به دوران خسرو دوم مربوط می‌شود ناتمام رها شده است. در اطراف آن و بر روی برخی از بلوک‌های سنگی این بنا، نشانه‌هایی از حجاران ساسانی مشاهده می‌شود. محققان اعتقاد دارند که معماران بنای ساسانی محوطه فرهاد تراش در ساخت و شکل دهی فضای آن به الگوی باغ‌سازی ایرانی یعنی ترکیب سه عنصر فضای سبز، آب و آفرینش یک حجم معماری توجه و عنایت داشته‌اند. محوطه فرهادتراش درارتباط با دیگر آثار ساسانی ناحیه بیستون، چشم‌اندازی از یک اقامتگاه سلطنتی و گسترده را درعهد ساسانی در ذهن بیننده ترسیم می‌نماید که مورد نظر سلاطین این سلسله بوده است. پیوستگی جغرافیایی و نزدیکی محوطه فرهادتراش و ناحیه بیستون با آثار ساسانی در کنگاور و کرمانشاهان نشان ازاهمیت منطقه برای دربار ساسانی داشته است.^{۴۴} از طرفی هم وجود یک سیستم هدایت آب و آب‌نماسازی در این محوطه ثابت می‌کند که شبکه‌های آبیاری منظمی در حال احداث بوده که می‌توانسته اراضی اطراف را سیراب سازد. و این آب را از سمت دیوار غربی از یک منبع خارجی به درون محوطه هدایت می‌کردند.^{۴۵}

ی: نیایشگاه مادی بیستون

در زیر کتیبه و نقش برجسته‌ی داریوش اول در بیستون، بقایای یک بنای سنگی دیده می‌شود. این بنا صفحه‌ای به بلندی یک و نیم متر است و به صورت خشکه‌چین با سنگ‌های نتراشیده ساخته شده است. بر روی این صفحه، راهرویی به عرض یک و نیم متر و درازای هفت متر وجود دارد که بنا را به دو بخش تقسیم می‌کند. در انتهای این راهرو، اتاقی به ابعاد ۶/۵×۳/۵ قرار دارد. دو طرف پهنای اتاق را شکاف کوه و انتهای آن را دیواری به عرض یک و نیم متر و طول پنج و نیم متر مسدود می‌نماید. در کاوش‌های باستان‌شناختی این بنا، قطعه سفال‌هایی به دست آمده که با سفالینه‌های مادی شناسایی شده از "گودین تپه" کنگاور و "نوشیجان" ملایر قابل مقایسه است. کاوشگران این بنا را نمایشگاهی از دوره مادی دانند.^{۴۶}

نتیجه گیری

بازکاوی و تحلیل دقیق عناصر و مستندات تاریخ‌نگارانه در عهد باستان و بررسی ابعاد و زوایای این مدارک و اسناد نشان می‌دهد که هرسین بسان سایر نقاط غربی ایران از سکونت‌گاه‌های اصلی بشر به شمار می‌رفته است و با توجه به شرایط مناسب جوی و دارابودن رودهای پرآب و قرارگرفتن بر سر راه اصلی بین النهرین - خراسان، از اقتصاد خوبی برخوردار بوده است و سلاطین ایران در ادوار مختلف را واداشت تا به این خطه حاصلخیز توجه خاصی را مبذول دارند. همین امر سبب گردید تا داریوش اول پس از سرکوب شورش‌ها، سنگ‌نگاره‌ی خویش را در بیستون کنار شاهراه تجاری بنگارد تا مورد مشاهده همگان قرار گیرد. همچنین، قلمرو و محدوده‌ی تاریخی هرسین از حیث حضور فعال باورها و اعتقادات دینی حائز اهمیت بوده است. آئین مهرپرستی و پس از آن زرتشتی‌گری در بین ساکنان هرسین اعتقادات آنان را نمایان می‌سازد و ظاهراً گنومات مغ به خاطر تعصب مذهبی اهالی این منطقه معابدشان را ویران ساخت و سرانجام داریوش اول با نابود کردن وی، آزادی مذهب را به آن‌ها بازگرداند.

با استناد به کاوش‌ها و یافته‌های باستان‌شناسی و با توجه به آثار کشف شده از تپه گنج‌دره، قدمت هرسین به نه هزارسال پیش از میلاد مسیح بر می‌گردد که بیانگر جایگاه و تاریخ کهن این شهر در تمدن ایران زمین است.

کتابنامه

- ۱) صفا، ذبیح‌الله (۱۳۴۶)، آئین شاهنشاهی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه، چاپ اول، ص ۱۵۴.
- ۲) مشکور، محمدجواد (۱۳۴۳)، ایران در عهد باستان، ج ۱، تهران، سازمان تربیت معلم، چاپ اول، ص ۸۹.
- ۳) کریستن سن، آرتور (۱۳۳۶)، مزداپروستی در ایران قدیم، ترجمه: ذبیح‌الله صفا، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ص ۲۹.
- ۴) اوستا (۱۳۸۷)، ترجمه ابراهیم پورداوود، تهران، دنیای کتاب، چاپ پنجم، ص ۱۱۷.
- ۵) رحیمی، کیومرث (۱۳۷۹)، هرسین در گستره تاریخ، کرمانشاه، انتشارات مؤسسه فرهنگی و هنری کوثر، چاپ اول، ص ۱۳۴.
- ۶) کریستن سن، آرتور (۱۳۳۶)، مزداپروستی در ایران قدیم، ترجمه: ذبیح‌الله صفا، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ص ۴۰.
- ۷) صفا، ذبیح‌الله (۱۳۴۶)، آئین شاهنشاهی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه، چاپ اول، ص ۱۷.
- ۸) مرادی، یوسف (۱۳۸۲)، سیمای میراث فرهنگی کرمانشاه، تهران، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی، چاپ اول، ص ۱۷۲.
- ۹) همان، ص ۱۷۲.
- ۱۰) همان، ص ۱۷۲.
- ۱۱) همان، ص ۱۷۳.
- ۱۲) جهان‌پور، علی (۱۳۸۷)، همدان دروازه تاریخ، تهران، سپهر دانش، چاپ اول، ص ۲۶۲.
- ۱۳) شعبانی، رضا (۱۳۸۱)، مبانی تاریخ اجتماعی ایران، تهران، قومس، چاپ دوم، ص ۱۸.
- ۱۴) سامی، علی (۱۳۸۸)، تمدن هخامنشی، ج ۱، تهران، سمت، چاپ اول، ص ۷۴.
- ۱۵) مرادی، یوسف (۱۳۸۲)، سیمای میراث فرهنگی کرمانشاه، تهران، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی، چاپ اول، ص ۱۶۶.
- ۱۶) همان، ص ۱۷.
- ۱۷) پیرنیا، حسن (۱۳۸۰)، تاریخ ایران باستان، ج ۱-۳، تهران، افسون، چاپ اول، ص ۱۰۲.
- ۱۸) آموزگار، ژاله (۱۳۸۷)، تاریخ اساطیری ایران، تهران، سمت، چاپ دهم، ص ۱۹.
- ۱۹) ورمازرن، مارتین (۱۳۸۷)، آئین میترا، ترجمه: بزرگ نادرزاد، تهران، چشمه، چاپ هفتم، ص ۴۱.
- ۲۰) پیرنیا، حسن (۱۳۸۰)، تاریخ ایران باستان، ج ۱-۳، تهران، افسون، چاپ اول، ص ۱۰۴.
- ۲۱) هرودت (۱۳۶۲)، تاریخ، ترجمه وحید مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ص ۲۱۳.
- ۲۲) مرادی، یوسف (۱۳۸۲)، سیمای میراث فرهنگی کرمانشاه، تهران، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی، چاپ اول، ص ۱۳۹.
- ۲۳) کریستن سن، آرتور (۱۳۳۶)، مزداپروستی در ایران قدیم، ترجمه: ذبیح‌الله صفا، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ص ۳۲۶.

- (۲۴) لسترنج، گای (۱۳۶۷)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ص ۲۰۳.
- (۲۵) شهپازی، عبدالله (۱۳۶۹)، مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ص ۱۳۴.
- (۲۶) ایزدپناه، حمید (۱۳۶۷)، فرهنگ کلی، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی جهانگیری، چاپ اول، ص ۱۰.
- (۲۷) نطنزی، معین الدین (۱۳۳۶)، منتخب التواریخ، به تصحیح ژان اوبن، تهران، کتابفروشی خیام چاپ اول، ص ۶۵.
- (۲۸) گیرشمن، رومن (۱۳۸۲)، تاریخ ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمود بهفروزی، تهران، جامی، چاپ دوم، ص ۹۰.
- (۲۹) همان، ص ۲۰.
- (۳۰) مرادی، یوسف (۱۳۸۲)، سیمای میراث فرهنگی کرمانشاه، تهران، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی، چاپ اول، ص ۱۵۹.
- (۳۱) بهنام، عیسی (۱۳۵۲)، کاوش‌های گنج‌دره، مجله هنر و مردم، تهران، شماره ۱۳۱، ص ۴.
- (۳۲) مرادی، یوسف (۱۳۸۲)، سیمای میراث فرهنگی کرمانشاه، تهران، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی، چاپ اول، ص ۱۵۱.
- (۳۳) ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۳۴۵)، سفرنامه، ترجمه جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول، ص ۷۲.
- (۳۴) اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۴۷)، مسالک و الممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، ص ۵۵.
- (۳۵) سامی، علی (۱۳۸۸)، تمدن هخامنشی، ج ۱، تهران، سمت، چاپ اول، ص ۱۴۱.
- (۳۶) ماری کخ، هاید (۱۳۸۷)، از زبان داریوش، ترجمه: پرویزرجبی، تهران، نشر کارنگ، چاپ سیزدهم، ص ۲۰.
- (۳۷) رایت، دنیس (۱۳۸۵)، انگلیسیان در ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، نشر اختران، چاپ دوم، ص ۲۱۳.
- (۳۸) مرادی، یوسف (۱۳۸۲)، سیمای میراث فرهنگی کرمانشاه، تهران، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی، چاپ اول، ص ۱۳۷.
- (۳۹) زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۲)، تاریخ مردم ایران، ج ۱، تهران، امیرکبیر، چاپ هشتم، ص ۳۴.
- (۴۰) پیرنیا، حسن (۱۳۸۰)، تاریخ ایران باستان، ج ۱-۳، تهران، افسون، چاپ اول، ص ۲۳۶۳.
- (۴۱) مرادی، یوسف (۱۳۸۲)، سیمای میراث فرهنگی کرمانشاه، تهران، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی، چاپ اول، ص ۱۴۰.
- (۴۲) منصور، امیر و آجلو، بهرام (۱۳۸۷)، بررسی و بازشناسی صفحه فرهادتراش بیستون: نمونه‌ای ساسانی از معماری منظر، نشریه باغ نظر، سال پنجم، شماره دهم، صفحه ۶۸-۴۹، ص ۵۵.

- (۴۳) جکسن، آبراهام(۱۳۵۲)، سفرنامه جکسن: ایران در گذشته و حال، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره ای، تهران، خوارزمی، چاپ اول، ص ۲۱۹.
- (۴۴) منصوری، امیر و آجرلو، بهرام(۱۳۸۷)، بررسی و بازشناسی صفحه فرهادتراش بیستون: نمونه‌ای ساسانی از معماری منظر، نشریه باغ نظر، سال پنجم، شماره دهم، صفحه ۶۸-۴۹، ص ۶۶.
- (۴۵) همان، ص ۶۴.
- (۴۶) مرادی، یوسف(۱۳۸۲)، سیمای میراث فرهنگی کرمانشاه، تهران، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی، چاپ اول، ص ۱۴۳.